

الرفاعی یاد رفته است. به گفته برخی منابع، الرفاعی این اثر را با همکاری عبدالرحمان صالحی دمشقی (- ۹۲۳ ق) ترجمه کرده و با استناد به همین می توان سده زندگی او را حدس زد. این ترجمه در بردارنده یک مقدمه، چهار مقاله و جدول های اخترشناسی است. نسخه هایی دست نویس از این اثر به شماره های ۲۹۰۸ در کتابخانه موزه مولانا و به شماره ۱۹۹۳ در کتابخانه اسعدافندی نگهداری می شود.

منابع: دختر کیخانه اسعدافندی، ۱۱۷؛

Mevlana müzesi, 3/84 ; Osmanlı astronomi literatürü tarihi, 1/225-226.

کوتی

یحیی تاشلیجالی ← دکاگین زاده

یحیی توفیق ( yah.yā.tow.fiq )، سیدیحیی افندی فرزند ابویوب افندی مدرس، استانبول ۱۱۲۷ - ۱۲۰۵ ق/۱۷۱۶ - ۱۷۹۱ م، شاعر عثمانی. پس از آن که تحصیلاتش را به پایان برد، اجازه نامه تدریس گرفت (۱۱۵۹ ق). در ۱۱۸۰ ق ملای سالونیک، در ۱۱۸۶ ق ملای شام، در ۱۱۹۲ ق قاضی مکه و در ۱۱۹۹ ق قاضی استانبول شد و در ۱۲۰۰ ق به مقام قاضیگری آناتولی ارتقا یافت. از ۱۲۰۱ تا ۱۲۰۳ ق قاضی عسکر روملی بود و در ۱۲۰۴ ق نقیب الاشراف شد. در ۱۲۰۵ ق، در پادشاهی سلیم سوم عثمانی (۱۲۰۳ - ۱۲۲۲ ق)، به مقام شیخ الاسلامی رسید، اما سیزده روز پس از آن درگذشت و پیکرش در کنار مدرسه ای که خود بنا کرده بود (در قرامان کوچک) به خاک سپرده شد. از وی دیوانی که در بردارنده اشعار فارسی، ترکی و عربی است، به جا مانده است. در نشانجی قوم قاپی کتابخانه ای را به نام او کرده اند. برخی از کتاب های وی را که در آتش سوزی لاله لی سالم مانده بودند، به کتابخانه سلیمانیه منتقل کردند.

منابع: پارسی نویسان آسیای صغیر، ۶۶؛ سجل عثمانی، ۶۴۲/۴ - ۶۴۳؛

قاموس الاعلام، ۱۶۹۱/۳؛

Türk edebiyatı ansiklopedisi, 4/1206.

شیدایی

یحیی کمال بیاتلی ( yah.yā.kamāl.ba.yāt.li )، Yahyakemal

Beyatli، احمد آگاه/محمد آگاه، اسکونییه ۱۸۸۴ - ۱۹۵۸ م، شاعر، دولتمرد و نویسنده ترکیه. دوره های دبستان و دبیرستان را در زادگاهش به پایان برد. در ۱۹۰۲ م به پاریس رفت و در آن جا به ادامه تحصیل پرداخت. در پاریس با رهبران ترکان جوان، مانند احمد رضا، پرنس صباح الدین، سامی پاشا زاده سزایی و عبدالله جودت آشنا شد. یحیی در پاریس با شاعران فرانسه، چون ژان مورا، شارل بودلر و پول ورلن دیدار کرد. در ۱۹۱۲ م دوره دانشکده علوم سیاسی در رشته سیاست بین الملل را به اتمام رسانید. پس از آن، به کشورش بازگشت و در برخی از مدارس استانبول، چون دارالفنون، مدرسه الواعظین و دارالشفای به تدریس تاریخ تمدن، تاریخ ادبیات غرب و تاریخ ادبیات ترک سرگرم شد. در ۱۹۲۲ م در سمت مشاور هیأت سیاسی ترکیه به لوزان رفت. در گفت و گوی حل مسئله خط مرزی سوریه و ترکیه حضور داشت. در ۱۹۲۳ م نماینده مجلس کبیر ملی شد و پس از آن بارها به مجلس راه یافت. وی سال ها سفیر ترکیه در اسپانیا، پاکستان، لهستان و پرتغال بود. زمانی که سفیر ترکیه در پاکستان بود بازنشسته شد و در سال های پایانی زندگی اش به کارهای علمی - ادبی پرداخت. یحیی کمال را یکی از آخرین حلقه های سلسله شاعران میهن دوست ترکیه، مانند نامق کمال، عبدالحق حامد، توفیق فکرت، سلیمان نظیف، ضیا گوکالپ و محمد عاکف به شمار آورده اند و گفته اند که «او احساس و ادراک، کهنه و نو، ذوق و تحقیق را به یک اندازه در هم آمیخت.» یحیی کمال با همراهی تعدادی از دانشجویان دارالفنون که از شاگردان نزدیکش بودند، مجله ای به نام درگاه به راه انداخت. وی نخستین آثارش را به تأثیر از ادبیات ثروت فنون نوشته است. اما در ۱۹۱۲ م با عقایدی متفاوت، از پاریس بازگشت، چنان که در مقاله هایش مخالف سنت ادبیات دیوانی بود و نیز ادبیات ثروت فنون را تقلیدی از نمونه های ادبیات اروپا می دانست. او با طرح نظریه نوهلتیسم که بر اساس آن قوانین زیبایی شناسی باید از عهد باستان و بیش تر از یونان وام گرفته شوند، رفته رفته در آثارش علاقه خود را به گذشته ملت های دیگر از دست می دهد. یحیی کمال بر آن بود که تاریخ امپراتوری عثمانی باید به مثابه منبع مضامین ادبیات معاصر به کار رود. در اشعاری از او چون «بامداد عید در سلیمانیه» خوانندگان عناصر هویت خود را می یابند. وی می کوشید تا صفحات افتخارآمیز

**220071**

**YAHYÂ TEVFİK EFENDİ**

- 
- 1 NAZMÎ ÖZEROL, Şeyhülişlâm Yahyâ Tevfik Efendi ve Türkçe şiirleri inceleme-karşılaştırmalı metin, İnönü Üniversitesi, Doktora, 2010